

## مفاهیم فطرت انسان در تمدن غرب

1- اسماعیل جعفری

1- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه ی آموزش و پرورش ، دانشگاه پیام نوار تهران جنوب، ایران

[Smailgafari1350@gmail.com](mailto:Smailgafari1350@gmail.com)

2- دکتر وحیده علیپور، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

[yahideh.alipour0028@yahoo.com](mailto:yahideh.alipour0028@yahoo.com)

### چکیده

سخن از فرهنگ مردمی مستلزم گفتن از فطرت و چالش طولانی و تلخ آن با تمدن غرب است. فرهنگ غربی (اروپایی - امریکایی) در نیل به خواسته های فطری متمایل تر از مثلا فرهنگ کمونیستی است، زیرا به طور کلی با عواطف، احساسات و هواها سر و کار دارد. در حالی که زیربنای اندیشه کمونیستی عقل است و به ندرت نفس را مخاطب قرار می دهد. بالاترین کاری که کمونیسم می توانست انجام دهد اعمال سیاست ها، برنامه ها و مفاهیم مورد نظر از طریق زور است . این در حالی است که غرب بیش تر برنامه ها و طرح های خود را از طریق «اقتناع» رهبری می کند. مطالعه ی حاضر به بررسی مفاهیم فطرت انسان در تمدن غرب پرداخته است. روش تحقیق مطالعه ی حاضر به صورت توصیفی است و داده های آن از روش کتابخانه ای گردآوری شده اند. نتایج مطالعه ی حاضر نشان می دهند که دامنه و گستره ی نظریه فطرت را می توان در طول تاریخ اندیشه در ادوار گوناگون به نظاره نشست. این نظریه از ابعاد و جنبه های متعدد روان شناختی و معرفت شناختی برخوردار است. نظریه فطرت اختصاص به تفکر فلسفی ندارد، بلکه در حوزه ی علوم تجربی نیز مطرح شده است. به افلاطون و مکتب افلاطونی ندارد بلکه شامل تفکر ارسطویی فلاسفه ی پیرو مکتب ارسطویی (و به تبع آن، فلاسفه ی اسلامی) نیز می شود. به فلاسفه ی عقل گرا ندارد، بلکه شامل فلاسفه ی تجربه گرا نیز می شود.

واژگان کلیدی: فطرت، تمدن غرب، انسان، اندیشه ی کمونیستی